

حرف اول

در وجه کلی، زبان هنرمند تنها زبان بین‌المللی است که تاکنون اختراع شده است. بهره‌یابی زیبایی‌شناختی از دستاوردهای معمار، نقاش، پیکرتراش، سفالگر و سایر هنروران برای تمامی انسانهای روی زمین - چه انسان آسیایی با دید ویژه خود و چه انسان رویایی با طرز نگرش خاص خویش - به‌طور یکسان فراهم است. حال اگر این بهره‌یابی زیبایی‌شناختی با تفسیرهای علمی و آکادمیک کارشناسان امر ترکیب یابد، طبیعتاً تأثیری دوچندان خواهد داشت. این حکم در خصوص هنرهای تمامی تمدنها و از جمله هنرهای اسلامی نیز مصداق دارد.

این حقیقت را باید پذیرفت که غریبان پیشتر و بیشتر از مسلمانان توجه خود را به هنرهای اسلامی و بررسی و ارزیابی آن معطوف کرده‌اند و در این قلمرو، سنت‌گذار تحقیقات آکادمیک شده‌اند. محققان و مجموعه‌داران غرب از سده هجدهم به باستانشناسی جهان اسلام علاقه نشان دادند و این کار را از سکه‌شناسی شروع کردند و به شاخه‌های دیگر باستانشناسی و کلاً هنر و معماری تعمیم دادند. این رشته از تحقیقات بتدریج در ممالک مختلف اروپایی پیگیری و قاعده‌مند شد و علاقه افرادی از پژوهشگران را برانگیخت. ماکس فان برخم سویسی، گاستن ویه، ژان سواژه و بلوشه فرانسوی، هر تسفلد، زاره و کونل آلمانی، تامس آرنولد و کرسول انگلیسی از جمله کسانی بودند که در این قلمرو به مطالعه و پژوهش پرداختند و جستارها و مقالات و رسالات زیادی منتشر کردند و نسلهای بعد هم راه آنها را به کمال پیمودند و آثاری درخور پدید آوردند.

در کنار این کوشندگیها، در موزه‌های غربی بر حجم آثار و یافته‌های شرقی و اسلامی افزوده شد. مجموعه‌داران غربی به گردآوری آثار اسلامی پرداختند. کانونهای بررسی هنر و معماری اسلامی در ممالک غربی و امریکایی برپا شد. بررسیهای باستانشناسی شکل و شیوه تازه و حد و حجم قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. مراکز گوناگون باستانی جهان اسلام محل کاوش و حفاری قرار گرفت. نمایشگاههایی از یافته‌ها و آثار هنر اسلامی و در کنار آنها کنگره‌هایی برای معرفی و بررسی این آثار در ممالک مختلف و حتی ممالک اسلامی برپا شد و انگیزه‌ای مضاعف به پژوهشهای هنر اسلامی بخشید. تدریس هنر و معماری اسلامی یکی از شاخه‌های معتبر دانشگاههای اروپا و امریکا شد و این بخش از علوم و فنون منزلت ویژه خود را به دست آورد و شاخه‌های تخصصی گوناگونی از متن آن سر بر کشید و علاقه‌مندان را به کوشندگی واداشت.

هر چه زمان می‌گذشت بر پیچیدگی مطالعات هنر و معماری اسلامی افزوده می‌شد و پیدایش یافته‌ها و آثار جدید، بررسیهای غنی‌تر و پرمایه‌تر از پیش بار می‌آورد و یکی از این آثار، کتاب حاضر است که آخرین دستاورد کامل و جامع درباره هنر و معماری اسلامی در دو مجلد و از انتشارات دانشگاه بیل امریکاست. جلد اول را ریچارد اتینگهاوزن و آلگ گرابر، هنرشناسان و مدرسان هنر اسلامی دانشگاههای غرب و امریکا و جلد دوم را شیلابلر و جاناتان بلوم تألیف و تنظیم کرده‌اند. جلد اول این کتاب با ترجمه نگارنده در سال 1379 از سوی سازمان «سمت» منتشر شد و در اندک زمانی به چاپ دوم رسید. ترجمه جلد دوم (کتاب حاضر) نیز سه سال پیش آماده و تحویل سازمان «سمت» و به دلیل بعضی از اقدامات اجرایی و شراکت فرهنگستان هنر در چاپ و نشر و ویراستاری آن، انتشارش به درازا کشید. به هر حال این دو جلد که اولی شامل هنر و

معماری اسلامی تا سده هفتم هجری است و دومی هنر و معماری اسلامی را از سده هفتم تا سده سیزدهم هجری در برمی گیرد، دست کم از دوجنبه بر پژوهشهای پیشین برتری دارد: (1) به لحاظ جامع بودن منابع و مآخذ و بهره گیری سنجیده از آنها همراه با تحلیلها و استدلالهای منطقی از این اطلاعات؛ (2) از حیث سامانبندی نو و شفاف و شمول آنها بر جهات گوناگون جغرافیایی هنر و معماری اسلامی و درهم آمیزی این جهات در یک کلیت چشمگیر. این دو وجه، کتاب را در خور آن می کرد که به زبان فارسی هم برگردانده شود تا خوانندگان فارسی زبان نیز از کمال پژوهندگی آن بهره یاب شوند.

در ترجمه تلاش کردم تا تمام توجهات و تعلقات مقرون به موضوع در نهایت دقت رعایت شود. برای پرهیز از هر نوع اشتباه و یکسان سازی اعلام و اسامی، به منابع اصلی تاریخنگاری اسلامی - عربی، فارسی، ترکی و اردو - رجوع کردم. گرچه کار چاپ و انتشار این کتابها را گروه باستانشناسی «سمت» با شراکت فرهنگستان هنر تقبل کرد و در این راه از هرگونه تشویق و تلاش کوتاهی ننمود تا برای دانشجویان گروه باستانشناسی کتابی شأن آنها تهیه شود، دانشجویان رشته های دیگر دانشگاهی از جمله دانشجویان رشته های هنر و تاریخ و معماری و طراحی صنعتی هم می توانند به قدر بسنده از محتوای آنها بهره مند شوند. در اینجا از تمامی کارکنان فنی «سمت» که در بسامان شدن این کتاب نقشی بایسته داشتند، تشکر می نمایم و تشکر ویژه از جناب آقای سعیدی دبیر گروه باستانشناسی «سمت» به خاطر تمامی ملاحظاتها و محبتهایش.